

بررسی نقش معرفت و بصیرت در انتظار

فرهاد ریسی

آموزگار آموزش و پرورش شهرستان نیکشهر

چکیده

اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان (عج) است و طبیعتاً هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام عصر (عج) بیشتر باشد به عظمت آن بزرگوار بیشتر پی خواهد برد. مهدویت و انتظار در رویکرد شیعی، تنها ناظر به آینده نیست؛ بلکه مکتبی تربیتی برای انسان معاصر است و به عنوان نظام تربیتی، اهداف، اصول و روش‌های خاصی دارد. برای تعیین مبنایی برای هر بحث، ضروری است در گام نخست، مفاهیم بسترساز آن بحث تبیین گردد تا بر اساس آن، سایر مسائل طرح و بررسی شوند. برای بحث دربارهٔ انتظار، بازشناسی مفهوم غیبت، ماهیت و چیستی ظهور، از ضروریات است. اعتقاد به غیبت امام از واجبات اعتقاد به مهدویت است، اما به شرط آن که این اعتقاد، صحیح و اصولی باشد نه این که مفهوم رها شدگی انسان و پیوند نداشتن با حجت الهی را به او القا کند. اعتقاد صحیح به غیبت می‌تواند در انسان، انرژی، تحرک و عشق و شوق ارتباط با امام غایب را ایجاد نماید. غیبت امام زمان (عج) غیبت شخصیت اوست نه غیبت شخص او، و امری معرفتی است نه وجودی. در آموزه‌های دینی، تأکید شده که ایشان در جامعه و در میان مردم زندگی می‌کنند؛ مردم امامشان را نمی‌یابند، اما او در مواقع حج حاضر می‌شود؛ او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند شخص او در میان مردم دیده می‌شود، اما شخصیت او پنهان است. پس غیبت امام به معنای زندگی ایشان در یک جهان ماوراء نیست، بلکه وصف غایب دربارهٔ وجود مبارک امام به سبب محرومیت جامعهٔ انسانی از درک محضر ایشان است که این امر، خود از مراتب پایین معرفتی مردم به جایگاه و شخصیت امام زمان (عج) نشأت می‌گیرد. حکمت غم‌انگیز برای غیبت امام زمان، تأدیب خلق و تهذیب جامعه است به معنای حقیقی، یا به معنای غم‌انگیز آن محرومیت جامعه است آن هم به لحاظ تجربهٔ تاریخی بشر و سابقه‌ای که انسان‌ها از خود نشان داده‌اند. اگرچه غیبت ظاهراً یک محرومیت است، اما در حقیقت هشدار و بیدار باشی برای رهانیدن انسان از جهل مرکبش دربارهٔ مقام امام و تصحیح ارتباط با حجت خداست؛ زیرا آن‌گاه که افراد، سعادت زیارت و شناخت جسمی امام را داشتند نیز از شناخت حقیقت امام غافل بودند و بهرهٔ لازم را از وجود ایشان کسب نمی‌کردند. از این رو خداوند منان غیبت را مقدر فرمود تا تعادل و آرامش توهمی افراد متزلزل شود و انسان‌ها بر اثر این فقدان ظاهری به تکاپو و تلاش برخیزند و بدین ترتیب موهبت انتظار در جان مؤمنان شکوفا شود. با توجه به احادیث مربوط به ظهور می‌توان دریافت که ظهور، امری است که افزون بر خواست الهی، اراده انسان و جامعه انسانی نیز در تحقق آن مؤثر است و تا زمانی که انسان و جامعه انسانی قابلیت لازم را احراز نکند، رخ نمی‌دهد و همین اعتقاد به عاملیت انسانی است که انتظار شیعی را از حالت انفعالی خارج کرده و به فرهنگی پویا مبدل می‌کند. اهداف انتظار با توجه به مباحث فوق در سه حوزهٔ شناختی، عاطفی و رفتاری قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: معرفت، بصیرت، انتظار

مقدمه

از جمله مهم‌ترین اهداف تربیتی در مکتب انتظار شناخت خویش است؛ چراکه هر کس حقیقت خویش و ارزش گوهر وجودی خود را به درستی بشناسد، آن را به بهای اندک نمی‌فروشد. تأکیدهای فراوان در قرآن درباره انسان، برای این است که انسان خویش را آن‌چنان که هست بشناسد و مقام و مرتبه خود را در عالم وجود درک کند و هدف از این همه تأکید بر ضرورت شناخت و درک خود، رسیدن به مقام والایی است که انسان شایسته و درخور آن است. شهید مطهری می‌فرماید:

سیر هدایت در قرآن به گونه‌ای است که انسان خود را کشف کند این «خود»، خود شناسنامه‌ای نیست؛ این «خود» همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن آن، انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویش را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد، به قداست خویش پی می‌برد، مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش ارزش و معنا پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۷)

این همه تأکید بر خودشناسی از آن‌روست که اصولاً فهم هر موضوعی مبتنی بر معرفتی است که فرد از خود دارد. تا زمانی که انسان در هستی‌شناختی دچار خودمحوری باشد و خود را محور هستی بداند نه خدای سبحان را، امام نیز در زندگی او نقش و جایگاهی ندارد. امام در جامعه‌ای می‌تواند حکومت کند که میزان آن توحید و خواست الهی باشد نه امیال و خواسته‌های انسانی. پس انسان باید چیزهای دیگری را احساس کند و فطریات خود را تمنا کند تا آماده و پذیرای وجود امام و اطاعت از او باشد. اگر انسان خود را به درستی بشناسد، جای خالی ولایت و واسطه برای نیل به جایگاه حقیقی خود را احساس خواهد کرد. همچنین متقابلاً معرفت به مقام امام و انسان کامل نوع نگرش انسان را نسبت به خودش، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجب بازنگری انسان نسبت به خود و قابلیت‌های وجودی‌اش می‌شود. این نوع خودشناسی، انسان را از خودمحوری شناختی بیرون می‌آورد تا در حد اطلاعات موجود، در مدار فردی خود محدود نشود و از پنجره‌ای دیگر به شناخت عالم و خود بپردازد. این شناخت امکان بازشناسی تحریفات و انحرافات شناختی فرد را فراهم کرده، موجب ارزیابی نفس و شناسایی استعدادها و نیازهای وجودی فرد می‌شود و زمینه انقیاد و تسلیم فرد را در برابر ولی خدا فراهم می‌نماید. همچنین مذاقه در امر غیبت و حکمت‌های مترتب بر آن و ماهیت ظهور فرد منتظر را متوجه نقش و جایگاهی که در زندگی و به‌ویژه در دوران انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور دارد می‌کند.

در روایات اشاره شده است که طول غیبت حضرت مهدی (عج) باعث به وجود آمدن شک و شبهه در قلوب افراد متزلزل می‌شود، بنابراین اثبات وجود امام عصر (عج) نکته مهمی است که در بحث مهدویت نقش بسزایی دارد. قرآن بهترین سند برای اثبات هر مطلب علمی و دینی است، آیات متعددی در قرآن کریم، ضرورت وجود حجت الهی را در میان مردم بیان می‌کند. در تفسیر آیات ۷۳، ۱۰۵ و ۱۵۰ سوره انبیاء می‌فرماید که: روزی صلح و راستی بر سراسر جهان سایه خواهد افکند و ظلم و بیداد از روی زمین برچیده می‌شود و چون در زمان هیچ یک از انبیاء و امامان قبلی چنین اتفاقی نیفتاده، باید این امر در آینده واقع شود که براساس روایات متعدد، این وعده‌های الهی با ظهور امام مهدی (عج) تحقق خواهد یافت. در بیان تفسیر آیه ۷۱ اسراء، ادعان میشود: براساس این آیه روز قیامت از هر فردی درباره امام به حق سوال می‌شود که اگر معتقد به آن بوده رستگار خواهد شد، لذا باید در هر زمانی امامی واجب‌الاطاعه وجود داشته باشد و مردم با اراده و اختیار او را به عنوان رهبر خود برگزینند تا به رستگاری برسند. اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان (عج) است و طبیعتاً هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام عصر (عج) بیشتر باشد به عظمت آن بزرگوار بیشتر پی خواهد برد (ابن بابویه، ۱۴۰۲: ۱۲۴).

تلاش برای برطرف کردن مفاسد اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، تربیت نسل دینی و آماده سازی برای ظهور را از دیگر وظایف منتظر واقعی است زیرا تا زمینه ظهور فراهم نگردد امکان ظهور میسر نخواهد شد. اگر کسی برای خود پرچم برافرازد و بدون دعوت به اصل دین و زمینه سازی برای ظهور حضرت (عج) قیام کند، قیامش طاغوتی است نه قیامی که با اجازه امام عصر (عج) و بلکه فرمان وجوبی ایشان به عنوان زمینه سازی ظهور جهانی آن حضرت باشد. اولین وظیفه منتظران کسب معرفت و چنگ زدن به ولایت حضرت است. آموزه مهدویت و انتظار در رویکرد اسلامی _ شیعی، اندیشه‌ای فراگیر، باسابقه و نقطه اوج تعالی بشری است. این آموزه بهترین و کامل‌ترین شیوه‌ها را برای نیل به زندگی متعالی و حیات طیبیه انسان و جامعه انسانی _ اعم از مادی و معنوی _ تصویر و ترسیم کرده است. انتظار در معارف شیعی امری صرفاً ناظر به آینده نیست، بلکه دارای جامعیت تاریخی است و می‌تواند تمام ابعاد زندگی انسان معاصر را تحت الشعاع قرار دهد و او را به سمت سعادت واقعی رهنمون شود. در آموزه مهدویت و انتظار شیعی، انسان موجودی است که مبدأ و مقصد خدایی دارد. او بخشی از نظام هستی و در ارتباط با کل نظام هستی است و اهداف، اصول و شیوه‌های تربیتی نظام انتظار، بر اساس این نگرش نسبت به انسان تعریف و تبیین می‌شود. نظام تربیتی انتظار شیعی و آموزه‌های مهدوی در حقیقت احیا، تکرار و تداوم آموزه‌های محمدی و علوی است. بنابراین می‌توان با توجه و تدبر در آیات قرآن و روایات نبوی و فرمایشات ائمه هدی (ع) به چشم‌انداز روشنی درباره نظام تربیتی مهدوی دست یافت و اهداف، اصول و شیوه‌های تربیتی انتظار را استنتاج کرد. در این راستا نوشتار حاضر به دنبال استخراج و معرفی اهداف نظام تربیتی انتظار موعود از میان روایات و معارف مهدوی است. هدف، در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد (شکوهی، ۱۳۹۹: ۵۹).

از آنجا که موضوع غیبت به عدم شناخت و نادرستی ارتباط با امام و حجت خدا مربوط می‌شود، اهداف تربیتی انتظار بر این حوزه متمرکز هستند و چون هر امر تربیتی دارای سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری است، این نوشتار اهداف را در سه محور اصلی دسته‌بندی می‌کند که البته هر محور خود مقدمه‌ای برای هدف والاتری بوده، اهداف جزئی و واسطی را نیز دربر می‌گیرد. اگر عشق و محبت به امام زمان عجل الله موجب گردد تا خود را آماده ظهور نماییم و به وظایف خود در عصر غیبت آشنا بوده و به درستی عمل کنیم در این هنگام می‌توان گفت که جزء منتظران حضرت هستیم. برای ایجاد جامعه مهدوی و زمینه سازی ظهور باید نسبت به وظایف خود در عصر غیبت شناخت کافی را کسب نماییم لذا اولین وظیفه منتظران کسب معرفت و چنگ زدن به ولایت حضرت است. روایات عدیده ای در باب تمسک به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام وارد است که از جمله آنها روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: "خوشا به حال شیعیان ما که از روی معرفت متمسک به حبل (ولایت) ما شدند" نزدیکترین و راضی ترین بندگان به خداوند کسانی هستند که در انتظار فرج به سر می‌برند" چنانچه انتظار فرج تمام زوایای زندگی انسان را در بر گیرد، روایاتی از ائمه هدی علیهم السلام وارد است که بر این مطلب دلالت دارد. اصلاح فردی از دیگر نشانه های منتظر حقیقی است که از انتظار مثبت نشأت می‌گیرد. خانه واقعی ما، خانه دل ماست لذا با اصلاح درون و تقوا می‌توان به کسب معرفت پرداخت. در روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: "برای امام عصر عجل الله غیبتی است که علاقمندان به حضرت باید تقوا پیشه نمایند و متمسک به ایشان شوند" تعاون و همکاری با دیگران و دستگیری از مردم از جمله وظایفی است که باید در عصر غیبت بدان توجه نماییم. اهمیت این مطلب تا حدی است که بنابر روایت وارده؛ امام حسن علیه السلام در هنگام اعتکاف در جهت کمک به سائلی که از حضرت درخواست کمک نمودند از مسجد خارج شدند (انصاری، ۱۴۰۰: ۱۳۹).

بیان مسئله:

از جمله ضروریات دوران غیبت و استقامت بر صراط انتظار، تشخیص دوست از دشمن یا شناخت دشمن است. از جمله اهداف تربیتی انتظار _ که شاید بیشتر جنبه سیاسی داشته باشد، اما حتی در ارتباط انسان با خودش نیز مطرح می‌شود _ رسیدن به بینش و بصیرتی در زمینه دشمن‌شناسی است. با توجه به آیه ۶۰ سوره یس، خداوند در روز الست آن‌گاه که درباره پذیرش ربوبیت خود و ولایت اولیایش از انسان پیمان می‌گیرد، بینش و شناختی از دشمن قسم خورده انسان نیز به او عطا می‌کند و از او تعهد می‌گیرد که با شیطان و ابلیس همراهی نکند. گرچه این آیه بیشتر درباره دشمن ایمانی است، اما به طور کلی، دشمن‌شناسی از جایگاه مهمی در منظر قرآن برخوردار است و اصل دشمن‌شناسی و مبارزه با دشمن، اصلی دائمی است که در تمام ادوار ضرورت دارد. در قرآن به انواع دشمنان (شیطان، کفار، طاغوت، منافقین و مشرکین) و مراتب دشمنی آن‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر کدام اشاره شده است.

خصوصیت دشمنان همواره شکل ثابتی ندارد. از این‌رو شناخت اهداف و شیوه‌های عملکرد دشمنان از ضروریات انتظار اصولی و صحیح است؛ به‌ویژه از آن جهت که مهدویت و انتظار دارای بالاترین میزان توانمندی در ایجاد مقاومت و توان مبارزه در شیعیان با دشمنان است، دشمنان نیز از همه ابزارها و شیوه‌ها و ترفندهای خود برای خنثی کردن این آموزه استفاده می‌کنند. از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم همچون انکار، تخریب، تحریف، تضعیف و جایگزین‌سازی یا ایجاد شبهه، اتهام وارادتی و غیر اسلامی بودن مهدویت و انتظار، ایجاد بحران‌های سیاسی و اقتصادی، معرفی دموکراسی لیبرال به عنوان تنها راه نجات بشر و مسخ و تهی‌سازی انتظار، استفاده از ابزارهایی همچون سینما و بازی‌های رایانه‌ای و تبلیغ منفی نامحسوس، فروکاستن انتظار به محسوسات (ملاقات‌گرایی) و... استفاده می‌کنند.

نکته حائز اهمیت این است که دشمن در چنین دوره و موضوع حساسی غالباً با چهره واقعی خود ظاهر نمی‌شود، بلکه در شکل و ظاهر مؤمنان به مهدویت و مدعیان انتظار، در میان منتظران حقیقی نفوذ کرده و در صورت مشاهده عدم قدرت تمییز و تشخیص و با استفاده از کم‌معرفتی و ضعف عقل ولایی، ضربات خود را وارد خواهد کرد. بنابراین تقویت بینش و بصیرت در زمینه دشمن‌شناسی و شناخت تاکتیک‌ها و تکنیک‌های دشمنان و راهکارهای مبارزه با هریک از ترفندهای دشمنان از اهداف تربیتی مکتب انتظار است.

مهدویت و انتظار در رویکرد شیعی، تنها ناظر به آینده نیست؛ بلکه مکتبی تربیتی برای انسان معاصر است و به عنوان نظام تربیتی، اهداف، اصول و روش‌های خاصی دارد. این نوشتار، با هدف واکاوی و بازشناسی اهداف نظام تربیتی انتظار از میان روایات و معارف مهدوی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی _ توصیفی نگاشته شده است. از آن‌جا که آماده نبودن نفوس بشری برای پذیرش ولایت ائمه اطهار(ع) از عوامل غیبت به شمار می‌رود، انتظار به عنوان موهبتی الهی، برای رهایی از محرومیت ناشی از غیبت، درصدد تصحیح ارتباط آدمی با خلیفه الهی است؛ از این‌رو اهداف تربیتی متمرکز بر موضوع امامت و شامل معرفت و حب امام و اطاعت از اوست که هریک به اهداف غایی همچون معرفت الهی، حب الهی و عبودیت و تقوای الهی می‌انجامند. همچنین برخی اهداف جزئی و واسطی نیز در این میان مطرح شده‌اند که عبارتند از خودشناسی، دشمن‌شناسی، شناخت طبیعت، حب خویشتن، تولی و تبری و حب تمام موجودات، تحقق و وحدت خویشتن، تنظیم روابط با انسان‌های دیگر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بهره‌مندی صحیح از طبیعت. هر فعالیتی که از انسان صادر می‌شود تحت نفوذ سه حوزه برجسته ادراک و معرفت، احساسات و عواطف، گرایشات و رفتار قرار می‌گیرد. این سه حوزه در تلازم و تعامل جدی با یکدیگرند، به‌گونه‌ای که احساسات و عواطف تحت‌الشعاع معرفت، و گرایشات و رفتارها تابع احساسات و

عواطف فرد هستند و سرسلسله‌جنبان همه این امور، معرفت انسان است. انگیزه که اصلی‌ترین عامل تمام فعالیت‌های انسان است، برآمده از معرفت اوست و هرچه معرفت صحیح‌تر و عالی‌تر باشد، انگیزه نیز متعالی‌تر خواهد بود. اساساً هر فعالیتی که از انسان سر می‌زند به شرطی استکمالی است که با معرفت همراه باشد. حضرت علی(ع) درباره ضرورت معرفت برای هر حرکتی می‌فرمایند:

يَا كُمَّيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ (حرانی، ۱۴۲۱: ۱۷۱)

انسان در طول انجام هر فعالیتی نیازمند معرفت است. هم برای شروع درست، هم برای تداوم و هم برای سرانجام و نتیجه نیک، معرفت ضرورت دارد. پس زندگی انسان مؤمن باید بر اساس علم و منطق و بصیرت باشد و این شناخت و آگاهی و بصیرت، هم جنبه نظری و هم جنبه عملی را دربر می‌گیرد؛ یعنی انسان برای اتخاذ هر عقیده و انجام و ترک هر عمل، باید بر اساس شناخت و بصیرت عمل کند و حتی در تفسیر و تحلیل‌ها و انتقاد و تمجید نیز علم و آگاهی را سرلوحه عمل خویش قرار دهد و از بیان مطالب بی‌دلیل و برهان یا تقلید کورکورانه و قضاوت‌های عجولانه بپرهیزد. اساساً حالت انتظار در وجود فرد، ناشی از بصیرت و روشن‌بینی اوست که امکان فهم و درک کاستی‌ها و فروبستگی‌های موجود را برایش فراهم می‌آورد. در همین باره امام سجاد(ع) می‌فرماید:

ای ابوخالده، به درستی که اهل زمان غیبت او، که امامتش را باور دارند و منتظر ظهورش هستند، از مردم همه زمان‌ها بهترند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی آن چنان عقل و فهم و شناختی به آنان عنایت کرده که غیبت در نزدشان، همچون دیدن باشد و آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که در پیشگاه رسول خدا با شمشیر جهاد کرده‌اند؛ آنان به حق مخلصانند و شیعیان واقعی ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار هستند. (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۱۹)

انتظار شیعی نیز به مبانی اعتقادی فرد نظر دارد و متکی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی است. معرفت و آگاهی که اساسی‌ترین پایه انتظار به شمار می‌رود، از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

غایت و هدف نهایی از شناخت امام، شناخت مقام ربوبیت حضرت رحمان است. در بینش شیعی، معرفت امام عصر بهترین و در حقیقت تنها راه دستیابی به معرفه الله است. امام حسین(ع) ضمن بیان فلسفه آفرینش انسان، چگونگی معرفت الهی را چنین تبیین می‌فرماید: ای مردم، همانا خدا _ که بزرگ باد یاد او _ بندگان خود را نیافریده، مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند؛ پس هرگاه او را بشناسند، او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند با عبودیت او، از بندگی هر آنچه جز خداست، بی‌نیاز گردند. مردی سؤال می‌کند: معرفت خدا چیست؟ امام می‌فرماید: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند. (گروه حدیث، ۱۳۸۷: ۶۰۸)

پس معرفت امام زمان(عج) باب معرفت الهی است؛ چرا که امام معصوم، خلیفه خدا و مظهر همه اسما و صفات الهی است و امروز حضرت مهدی امام واجب‌الاطاعة زمان است و چون ائمه هدی از جمله حضرت ولی‌عصر در اوج معرفت الهی هستند، با معرفت به مقام ایشان و اتصال و پیوند با آن حضرت می‌توان به طریق معرفت راه یافت. از جمله اهداف اصلی ایشان در زمان ظهور، گسترش معرفت الهی در اجتماع انسان‌ها و فراهم کردن معرفت و یقین به ربوبیت الهی است. برقراری حکومت اسلامی و گستراندن عدل در روی زمین به دست توانای حضرت ولی‌عصر(عج) خود مقدمه‌ای برای تأمین هدف والاتری است و آن این که زمینه‌ای فراهم شود تا بیشتر انسان‌ها بتوانند به مراتب معرفت لایق برسند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰). مکتب تربیتی انتظار

نیز والاترین هدف خود را به واسطه آموزه‌های ناب مهدوی، معرفت الهی قرار داده است، همچنان که هدف اصلی قیام امام زمان(عج) ایجاد معرفت صحیح و خالی از ابهام نسبت به ذات باری تعالی در مدینه فاضله جهانی مهدوی است. امام صادق(ع) می‌فرماید:

وقتی قائم قیام کند، هیچ جایی از زمین باقی نمی‌ماند مگر این که آوای توحید و خداشناسی و پذیرش رسالت پیامبر در آن بلند است. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۳۷) ائمه هدی از جمله حضرت ولی عصر بهتر و بیشتر از هر کس دیگری خدا را می‌شناسند و بالاترین مظاهر اسماء و صفات الهی هستند. از این رو هر کس دنبال شناخت راستین خداست، باید در مکتب ائمه معصوم از جمله امام زمان تلمذ نماید. همچنان که در زیارت جامعه کبیره، آن بزرگواران «محال معرفه الله» خوانده شده‌اند؛ یعنی آنان بهترین محل تجلی و مجلای شهود و عرفان حق تعالی هستند. در عصر کنونی حضرت مهدی(عج) _ که حجت خداست _ می‌تواند دست طالبان معرفت الهی را گرفته با «ایصال الی المطلوب» از مسیر درست، آنان را به معرفت الهی نایل گرداند. امام باقر(ع) می‌فرماید: به سبب ما، خدا بندگی می‌شود و به وسیله ما خدا شناخته می‌شود. و از طریق ما، توحید خداوند متعال تحقق می‌یابد و حضرت محمد(ص) واسطه خدای متعال است. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۴۵)

اهداف تحقیق:

از جمله اهداف والای تربیتی مکتب انتظار، معرفت امام عصر(عج) است. این امر چنان اهمیت والایی دارد که نبی مکرم اسلام معرفت نداشتن به امام زمان(عج) را مساوی با مرگ جاهلی می‌داند و از آن جا که آدمی آن گونه می‌میرد که زیسته است، پس حیات چنین کسی نیز حیات جاهلانه و غیر معقول خواهد بود. معرفت امام دو وجه دارد: یکی شناخت شخص امام، و دیگری شناخت شخصیت و مقام امام. شناخت شخص امام یعنی دانستن این که امام موعود، فرزند امام حسن عسکری از نسل امام حسین(ع) و سلاله حضرت رسول اکرم(ص) است که خود این شناخت به ظاهر شناسنامه‌ای مانع از بسیاری انحرافات، گمراهی‌ها و سردرگمی‌ها می‌شود؛ زیرا موعود و حجت الهی در رویکرد شیعی، موعود و حجت شخصی است و نه موعود نوعی. معرفت به شخصیت و مقام امام، یعنی تلاش برای شناخت منزلت و جایگاه امام در هستی و درک وابستگی هستی به وجود امام و نیز شناخت اهداف و آرمان‌های ایشان. این نوع معرفت، عاملی برای حفظ و تقویت حالت انتظار در وجود انسان است. با این دیدگاه، می‌توان به مفهوم حدیث شریفیه امامان(ع) از حضرت رسول(ص) نقل کرده‌اند _ پی برد که می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۵۱۶۰)

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است

مقصود از شناخت در این حدیث، شناخت حقیقت وجود امام است. در حدیث مزبور، حضرت رسول اکرم(ص) از واژه «لم یعرف» استفاده کرده‌اند که به امر معرفت اشاره دارد و فراتر از علم و آگاهی سطحی است. علم تا در اعماق وجود انسان راه نیابد نمی‌تواند عواطف، اراده و رفتار انسان را تحت الشعاع قرار دهد. تجربه تاریخ اسلام به روشنی بیانگر آن است که شناخت صوری و ظاهری نمی‌تواند تأثیر چندانی در موضع‌گیری افراد نسبت به امام داشته باشد، همچنان که همه کسانی که به جنگ امام حسین(ع) آمده بودند، به خود امام و اصل و نسب او علم کامل داشتند و امام حسین(ع) در این مورد از آنان اعتراف گرفتند. بنابراین معرفت و شناخت عرفانی نسبت به امام تنها امری ذهنی و فکری نیست؛ بلکه امری وجدانی و شهودی است که در اعماق وجود انسان اثر می‌کند. معرفت امام زمان(عج) یعنی ادراک و شهود حضور دائمی حضرت که این شهود بی‌وقفه ادامه داشته باشد. وقتی انسان به چنین معرفتی نایل شود، دیگر غیبت مفهومی ندارد.

امیر مؤمنان علی(ع) در تبیین راه شناخت امام می‌فرماید: «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ وَ أَوْلِيَ الْأَمْرِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ خدا را با الوهیتش بشناسید و رسول را با رسالتش و اولی الامر (امام) را با امر به معروف و عدل و احسان...». ویژگی امام، عمل به معروف و برپا ساختن عدل و احسان است. آن کس که امام را به ولی الله، خلیفه الله، انسان کامل معصوم و آن که اطاعتش از سوی خداوند واجب شمرده است، بشناسد و بداند که امام، زنده و حاضر است و اعمال ما را می‌بیند و در قیامت صاحب مقام شفاعت است، از برکات و آثار بی‌ظنیر معرفت امام بهره‌مند می‌شود و به کمال زندگی معقول بار یافته و از نقصان مرگ جاهلی می‌رهد.

در وصول به قلّه رفیع این شناخت و ادراک، سخن نورانی حضرت علی(ع) شناخت منکر و معرفت به معروف، ضروری می‌نماید. در مثلث مبارک و خجسته‌ای که امیر مؤمنان ترسیم فرمودند، آن که تنها امر و نهی می‌کند و خویش را تافته‌ای جدا بافته می‌پندارد امام نیست، بلکه امام آن است که سیرتش را معروف، سنتش را عدل و سریرتش را احسان تأمین کند. آن که امام را با این سنت علمی و عملی بشناسد، به او اقتدا کرده و مأموم او می‌شود. چنین امام‌شناس ولایت‌مداری به معرفت امام و ولی خدا بار می‌یابد و نیز شهود می‌کند که سریرت امامتش جز معروف نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۳ - ۴۶).

اگرچه معرفت امام، مقدمه معرفت الهی است، اما خود این معرفت ریشه در شناخت خدای سبحان و مقام نبوت دارد. معرفت، مراحل و مراتبی دارد که سبب می‌شود انتظار مبتنی بر آن نیز دارای مراتب باشد. از جمله اجزای شناخت امام عصر(ع) شناخت برنامه‌های ایشان است. با شناخت برنامه‌ها و آرمان‌های امام، نوع نگرش انسان به حاکمیت‌های موجود تصحیح می‌شود و انسان معیار و ملاکی برای تمیز بین حکومت‌ها به دست می‌آورد و بازتاب عقلی این شناخت سبب می‌شود انسان منتظر، برنامه‌ها و اهداف زندگی خود را همسو با اهداف آرمان‌شهر مهدوی تنظیم کند و به آن حاکمیت نزدیک‌تر شود تا در صورت درک ایام نورانی ظهور، با مشی و مرام امام انطباق یابد. محورهای اساسی حکومت امام زمان(ع) با توجه به روایات عبارتند از:

۱. برپایی توحید و عبودیت الهی؛ ۲. شکوفایی علوم و عقول؛ ۳. گسترش عدالت؛ ۴. برقراری امنیت؛ ۵. فقرزدایی.

نتیجه‌گیری:

یکی از آثار انتظار را می‌توان بصیرت و آگاهی عمومی بر شمرد، همانگونه که انتظار موجب بصیرت فردی است باعث بصیرت عمومی نیز خواهد بود زیرا از جمله ویژگی‌های یاران امام مهدی(ع) و منتظرین آن حضرت بالا بردن سطح معرفت و شناخت نسبت به اجزاء مختلف دین در حوزه‌های گوناگون اعتقادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ... است. یعنی فردی می‌تواند مدعی پیروی از امام(ع) را داشته باشد و در مسیر ایشان حرکت نماید و از منتظرین به حساب آید که از درجه بالای بصیرت و آگاهی بر خوردار باشد. این امر وقتی عمومی شد بی شک فراگیری آن در میان معتقدین به امام مهدی(ع) و منتظرین ایشان موجب بالا رفتن سطح آگاهی و معرفت عمومی می‌شود و زمینه را برای ظهور آسان خواهد نمود. اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود این است، که این یاران به تدریج در جامعه قبل از ظهور یعنی جامعه منتظر تربیت شده‌اند و خود از منتظرین محسوب می‌شوند. پس جامعه منتظر از چنان ظرفیتی برخوردار است که توانسته چنین افرادی را پرورش دهد و آنها را تربیت نماید. بنابراین جامعه منتظر، جامعه آگاه و بصیر خواهد بود. اساسی‌ترین فایده بصیرت، شناخت حق از باطل است. فایده دیگر بصیرت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، استقامت در راه حق است. ممکن است انسان، حق را از باطل تمیز دهد، ولی دنیاطلبی و جلوه‌های گوناگون دنیا، انسان را از استقامت در راه حق و ولایت بازمی‌دارد. اما افزایش بصیرت، بی‌اعتباری دنیا و لذت‌های آن را بر ملا می‌کند. از این‌رو، فرد مشکلات و سرزنش‌های چند روزه را تحمل نموده، بر مسیر حق، پایدار و استوار باقی می‌ماند. با توجه به این نکته که مقام معظم رهبری با اشاره به خطبه ۳۷۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «آنهايي که دور امير المؤمنين بودند و ايستادند

و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند که بنده بارها از امیر المؤمنین نقل کرده‌ام که فرمود: «و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». در درجه اول، بصیرت لازم است.»

ضربات جبران‌ناپذیر ناشی از بی‌بصیرتی که ضعف در تحلیل سیاسی، دشمن‌شناسی، جریان‌شناسی، تکلیف‌شناسی، زمان‌آگاهی و اقدام به موقع در برابر دشمن را در پی دارد، گاه ممکن است تا نیم قرن تداوم داشته باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عالمی، چه اعلم علما باشد و چه کسی که در یک محله، احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد، ضروری است... ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریان‌ات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ به خصوص در دو سست سال اخیر... هرگاه ما عالم دین و متقی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثال میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شرّ دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم که آن ضرر به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد، اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد. دیگر نباید تسلیم ناآگاهی‌ها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خومان تقویت کنیم»

بصیرت عبارت از نوعی معرفت و آگاهی مبتنی بر معیارهای دینی است که در فرد، توانایی تشخیص، تمییز، قضاوت و گزینش را پرورش داده و بدین ترتیب فرد را در مسیر ربوبی شدن قرار می‌دهد. بصیرت چشم باطن و درون آدمی است. ضرورت حیات دینی و ضامن حفظ، بقاء و سلامت آن است. کسی که بصیرت لازم را همراه یکسری از شرایط - که اشاره شد - داشته باشد در روزهای فتنه و فضاهای غبارآلود مسیر را اشتباه نخواهد پیمود و از توانمندی و جسارت برخوردار با دیگران و اظهار حق و حقیقت برخوردار می‌شود.

بصیرت یکی از آموزه‌های دینی است که مولفه‌های آن در قرآن و روایات تبیین شده است. ضرورت تقویت بصیرت در فضای کنونی ایجاب می‌کند که از رهنمودهای جامع قرآن، احادیث معصومین و همچنین از رهنمون‌های سازنده ولایت فقیه رهبر معظم انقلاب برای ایجاد بصیرت و بینش در جامعه استفاده شود. با توجه به اینکه انسان باید به مرور زمان و با دریافت‌های خود از محیط اطرافش و با تفکر و با جستجو درباره امور به بصیرت دست یابد، بر متولیان امور تعلیم و تربیت لازم است که بر ایجاد بصیرت و روشن بینی افراد جامعه با استفاده از آموزه‌های اسلامی، همت گمارند تا جامعه‌ای با انسان‌های با بصیرت داشته باشیم. یکی از مهمترین وظایف فرد مسلمان، شناخت دشمنان و راه‌های مقابله با مکر و حيله‌های آنان است. بنابراین برخوردار از بصیرت در تمام عرصه‌های زندگی بویژه در عرصه دشمن‌شناسی ضروری به نظر می‌رسد.

1- انتظار ظهور حاکمیت عالی‌ترین شخصیت هستی، نشانه‌ی بلوغ بشریت است. باید تلاش کرد تا این انتظار زنده و با طراوت بماند و این کتاب در صدد تحقق چنین هدفی است؛ به خصوص که ائمه‌ی معصومین (ع) تأکید کرده‌اند «أَلَيْسَ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ الْفَرَجِ» (۱) آیا انتظار فرج به خودی خود از فرج محسوب نمی‌شود و برکات فرج را به همراه ندارد؟

2- نویسنده سعی کرده ذهن‌ها را متوجه این نکته‌ی مهم کند که لازمه‌ی انتظار حقیقی، معرفتی خاص است و اگر با معرفتی صحیح همراه شود، برکات فوق‌العاده‌ای به همراه دارد و مانع می‌گردد که انسان‌ها گرفتار اکنون زدگی شوند و سرنوشت خود را به دوران حاکمیت ظلمات آخرالزمان بسپارند.

3- ما بیش از آن که به آگاهی از «حوادث ظهور» نیازمند باشیم به معرفت نسبت به «قواعد ظهور» محتاجیم تا معلوم شود انتظار فرج شرایط تحقق ظهور است. این کتاب تلاش کرده در راستای توجه به «قواعد ظهور» موضوع انتظار فرج را بررسی و تحلیل نماید.

4- نکته‌ی مهم دیگری که در کتاب به آن پرداخته شده، معرفت نسبت به ظلمات آخرالزمان است؛ زیرا نویسنده معتقد است نوع ظلماتی که مانع ظهور حضرت صاحب الامر(عج) شده باید روشن شود و از آن مهم‌تر معلوم شود که با چه نوع روح و روحیه‌ای می‌تون از آن ظلمات عبور کرد؛ زیرا ممکن است انسان‌ها منتظر چیزی باشند که آن از جنس ظلمات آخرالزمان است و یک نوع رجوع به دجال حيله‌گر است.

5- در این کتاب، روشن می‌شود علت تحقق انقلاب اسلامی، فرهنگ انتظار بود و در زیر سایه‌ی آن فرهنگ، ملت ایران توانست قدمی جهت نزدیک شدن به هدف نهایی بردارد و سرنوشت تاریخی خود را بهبود بخشد و به همان اندازه از استعدادهای معنوی عالم بهره‌مند شود. پیروزی انقلاب اسلامی در زمانه‌ای که بسیاری پذیرفته بودند دوره‌ی حاکمیت دین گذشته‌است، نشان داد عقیده به انتظار فرج یک عقیده‌ی واقع بینانه و منطقی است.

6- حضور تاریخی در اردوگاه و خیمه‌ی حضرت قائم(عج) در اثر انتظار حاکمیت امام معصوم، از ظریف‌ترین نکاتی است که نویسنده به آن پرداخته‌است و سعی دارد روشن کند به واقع اگر انتظار با معرفتی صحیح انجام گیرد، در همین زمان، جان انسان را به شکوفایی مطلوب می‌کشد و از تمام بیست و هفت حرف علمی که در زمان ظهور به صحنه می‌آید بهره‌مند می‌گردد. چون در همین زمان توانسته‌است از خدای لیبرال دموکراسی به خدای مهدی(عج) که خدای حضوری و وجودی است، رجوع کند.

7- کسی می‌تواند منتظر حاکمیت انسان کامل باشد که متوجه باشد خداوند جهان را رها نکرده تا هرکس با میل خود بر آن حکومت کند بلکه فرصتی به بشر داده تا در این فرصت، تلاش شود حضرت ولی الله اعظم(عج) امکان حاکمیت بر عالم و آدم را پیدا کنند. کافی است زمینه‌های فتوح آخرالزمانی را بشناسیم تا به خوبی با حجاب‌های ظهور درگیر شویم و إن شاء الله به ظهور تام حاکمیت امام نایل گردیم.

8- وقتی روشن شود امام زمان(عج) جنبه‌ی متعالی هر انسانی است، انتظار معنی خاص خود را پیدا می‌کند و در آن حال، نه تنها انسان منتظر هم اکنون قلب خود را متوجه قطب عالم امکان می‌نماید و با او زندگی می‌کند بلکه تلاش می‌نماید تا ظهور او در عالم و آدم هر چه بیشتر شدت یابد و افق بشریت به کلی دگرگون شود و از توجه به خاک، به انس با افلاک تغییر جهت دهد.

9- نویسنده روشن نموده چگونه زندگی بدون ولایت الهی و حاکمیت اولیای الهی همیشه با یأس و شکاکیت و از خود بیگانگی همراه است و سعی دارد درمان چنین بحران‌های روحی را در رجوع به انسان کامل از یک طرف و تلاش برای حاکمیت او از طرف دیگر نشان دهد، تا شور و شعف خاص که در عارفان حماسه‌ساز هست به جامعه برگردد.

10- دل‌آگاهی پارسایانه حالتی است که با انتظار حاکمیت امام معصوم(ع) نصیب انسان منتظر می‌شود و نه تنها صحنه‌ی جان انسان از اراده‌های شیطانی تطهیر می‌گردد بلکه قلب انسان ظرفیت پذیرش القائنات رحمانی را توسط حضرت صاحب الامر(عج) پیدا می‌کند و این اساسی‌ترین برکتی است که در انسان منتظر به وقوع می‌پیوندد.

منابع:

- 1, ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- 2, ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران، نشر صدوق.
- 3, ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 4, ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). الإمامه و التبصره من الحیره، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج).
- 5, ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی، تهران، کتابچی.
- 6, _____ (۱۳۶۲). الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- 7, _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامی.
- 8, _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 9, ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- 10, ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء (۲۰۰۸م). البدايه و النهايه، تحقیق عمادزکی البارودی، خیری سعید، قاهره، المکتبه التوفیقیه.
- 11, ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 12, اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز، بنی هاشمی.
- 13, امیری، ابوالفضل (بهار ۱۳۹۰). «جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی» مجله مطالعات راهبردی بسیج شماره ۵
- 14, برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- 15, پایدار، حبیب الله (۱۳۳۶). برداشت هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران نشر فرهنگ اسلامی.
- 16, پیروزمند، علی رضا (بهار ۱۳۸۸). «مهندسی فرهنگی علم و فناوری»، مجله نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۵
- 17, ذوعلم، علی (۱۳۹۲). فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 18, راوندی قطب الدین، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷ق). الدعوات / سلوه الحزین، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
- 19, راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی تا). النوادر، قم، دار الکتب.
- 20, سالار کسرای، محمد؛ پوزش شیرازی، علی (پاییز ۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳
- 21, صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- 22, طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج، محقق: خرسان، محمد بن باقر، مشهد، نشر مرتضی.
- 23, طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق). بشاره المصطفی لشیهه المرتضی، نجف، المکتبه الحیدریه.
- 24, طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی، قم، دار الثقافه.

- 25, _____ (۱۴۱۱ق) الغیبه للحجه، قم، دار المعارف الإسلامیه.
- 26, علمداری، شهرام؛ ادیب، مصطفی (تیر و مرداد ۱۳۸۶). «ثقلین گرانقدر؛ الگوهای راهبردی طراحی ساختار مهندسی فرهنگی جهان اسلام»، مجله: مهندسی فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱،
- 27, عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه.
- 28, فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- 29, قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم، دار الکتب.
- 30, کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- 31, کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد، قم، دارالذخائر.
- 32, _____ (۱۳۹۴ق / ۱۳۵۳) معدن الجواهر و ریاضه الخواطر، تهران، المكتبه المرتضویه.
- 33, کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- 34, مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- 35, _____ (۱۴۰۴ ق). مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- 36, مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 37, مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). فطرت، تهران، انتشارات صدرا.
- 38, _____ (۱۳۶۳). نقدی بر مارکسیسم، قم، انتشارات صدرا.
- 39, مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- 40, _____ (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- 41, _____ (۱۴۱۳ ق). المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- 42, میرباقری، سید محمد مهدی (خرداد و تیر ۱۳۹۰). «درآمدی بر فلسفه تاریخ شیعه» ماه نامه فرهنگ عمومی، سال اول، شماره ۴،
- 43, ناظمی، مهدی (مهرماه ۱۳۸۵). «درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره اول.
- 44, یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳). گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران، انتشارات هرمس.